

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مقدمه، مؤخره و ارسال از: کبیر توخی
۲۴ می ۲۰۱۸

«به دنیای جورج آرول خوش آمدید»

۳

مؤخره:

یک تن از " ژورنالیست " های " آزاد " افغان مقیم اروپا با عدم آگاهی از تاریخ دو سه دهه پیش کشور ایران از شخصیت اکبرگنجی (که نامبرده به مثابه یک مستطق و شکنجه گر در زندان های جمهوری اسلامی به کار شکنجه زندانیان گمارده شده بود و بعداً از جانب سازمان اطلاعات آنکشور در نقش مخالف رژیم به نقد از ساختار دولتی و ابراز نظر در مورد جدائی دین از دولت و تائید سکولاریزم پرداخت ؛ چنین نوشته : « مرد مبارز ، آزادیخواه ، جمهوریخواه و دموکراتی که به تازگی از زندان جمهوری اسلامی ایران بعد از شش سال تحمل رنج های رنگارنگ پشت میله های زندان و شکنجه رها شده است ، در دانشگاه جورج تاون در واشنگتن دی سی ایالات متحده امریکا سخنرانی ای ایراد نمود.... » و مسأله را نمی شکافد (و یا به تاسی از خط حرکی ارگانی که بدان بستگی دارد) چنین فردی را " مرد مبارز " ، " آزادیخواه " ، " دموکرات " می خواند و به این بُعد مهم مسأله نمی اندیشد (ویا نمی خواهد ببیند) که رژیم شلاق و دره و سنگسار و مثله و تجاوز به ناموس دختران زندانی و قاتل هزاران زندانی که هم اکنون با سرکوب وحشیانه مردم ایران در همین چند ماه گذشته جاده های تهران و سایر شهر های آنکشور را به خون پاک فرزندان دلاور و آزادیخواه ایران رنگین ساخته اینقدر ساده اندیش هم نیست که دشمن قلم به دست و هویت یافته ای که در درون خودش شکل گرفته ، رشد کرده ، و پا به عرصه وجود سیاسی گذاشته و در رویارویی و تقابل با آن قرار گرفته را از زندان رها سازد و بگذارد که به خارج از زادگاهش ، در کشور " امریکای جهانخوار " - به فرموده رهبرشان " شیطان بزرگ " - برود و از طریق تریبون های پیش از پیش سازمانیافته به ضد خالق سیاسی اش (رژیم جمهوری اسلامی و سربانند جلدش خامنه ای خون آشام) سخنرانی نماید و در خفا به خاطر تبلیغ شخصیت انقلابی اش از رسانه های دلپذیر آنکشور و متحدین امپریالیستی آن تشکر نموده آمادگی خود را به خاطر مبارزه در راستای امیال و خواسته های کشور میزبان اعلام دارد .

نگارنده مجال پرداختن به نگاشته دیگری از "ژورنالیست آزاد" افغان را که به توصیف از رئیس جمهوری امریکا (بارک اوباما) پرداخته است ؛ ندارد .

حال مراجعه می کنیم به نوشته یک تن از ژورنالیستان حرفه ئی (خریده شده) افغان ؛ یعنی آقای شکرالله کهگدای که زمانی (در دوره "دهه دموکراسی" ظاهر شاه) در نقش ژورنالیست نشریه "کاروان" در کابل ، برای سازمان مخوف اطلاعات ظاهر شاه ("ضبط احوالات") کار می کرد و در هنگام تجاوز سوسیال امپریالیزم روس به افغانستان - که سمت استادی در پوهنتون کابل را داشت - در خدمت نهاد استخباراتی سازمان داده شده توسط روسها (خاد) درآمد و بعد ها که وظایف استخباراتی اش را برای دولت پوشالی در زندان پلچرخ انجام داد و از آنجا رها گردید ، عازم ایالات متحده شده در آنکشور به نشر ماهنامه "کاروان" پرداخت .

اینک به بخشی از سر مقاله شماره ۹۰ «کاروان» مؤرخ اول جون ۲۰۰۲ چاپ امریکا این ژورنالیست حرفه ئی که این بار به سمت ناشر و نویسنده آن نشریه غرض فریب مردم ، واقعیت های روشن و حقایق آشکار را سرچپه و [وارونه] است ؛ در زیر توجه کنیم :

« ناشر این ماهنامه در دانشگاه کابل خودمان و در سالهای تجاوز ستگرانه روسیه بلشویک ، باهمرزمان در بحث ها و ارزیابی های مان ، طرفدار بسر قدرت بودن عقاب ها (حزب جمهوری خواهان) در کاخ سفید ایالات متحده بودیم که مردمان قاطع ، مصمم و جدی و یکطرفه کننده اند و هر بار که افغانستان از چنگ تجاوز گران خارجی آزاد گشته ، حزب جمهوریخواهان امریکا در کاخ سفید بسر قدرت بوده و یار و همکار افغانان برای آزادی شان ، « یا به سخن دیگری با تولد دوباره ملت افغانستان و کسب دوباره ی آزادی کشور هم از چنگ روسیه بلشویک و هم از چنگ تروریستان [تروریستان را بخوان طالبان]، یاری و همکاری موثر و قاطع حکومت جمهوریخواهان ایالات متحده را در ۲۰ سال پیش برهبری رئیس جمهور رونالد ریگان و حالا برهبری جورج بوش گرامی میداریم ... »- اغلاط املائی در **نقل قول تصحیح نشده است- پورتال**

نیاز به تذکار نکاتی چند در مورد وابستگی ژورنالیزم وابسته و اثرات آن در ساختار های دولتی و ذهنیت سازی توده ها در این نگاشته دیده شد :

«رستم پور زال» مترجم نوشته « اسیتون ارالا نگر» را که تحت عنوان «وابستگی روزنامه نگاران مستقل» در نیویارک تایمز ۲۰ سپتمبر ۲۰۰۰ چاپ شده فشرده ساخته ، اینک قسمت های آن را در ذیل می آورم:

« یک سال و نیم پس از بمباران ۷۸ روزه صربستان توسط پیمان ناتو رقیب اصلی پرزیدنت میلوسویچ ، امریکا و متحدین امریکائی آن هستند، نه اپوزیسیون داخلی .

احزاب ، مطبوعات و رادیو های مخالف او **از ناتو ده ها میلیون دالر گرفته اند** تا در انتخابات این هفته شر او را بکنند ، منجمله تأثیر تلویزیون دولتی خنثی شود .

قبل از بمباران امریکا سالانه تا ده میلیون دالر به اپوزیسیون کمک می کرد . در سال جاری این بودجه به ۲۵ میلیون دالر رسید ... ، واشنگتن به ژورنالیست های «مستقل» اطمینان داده که : « نگران نباشند چقدر خرچ می کنند ، مبالغ کلانی در راه است ، ، .

روز ۲۹ سال جاری رابرت جلیارد، رابط ویژه امریکا در امور یوگوسلاوی و... همچنین در زمینه ژورنالیستهای مستعد صربستان که جهت تعلیمات حرفه ئی به امریکا وارد شده اند توضیحاتی داد. و کورت ویمبر در برابر کمیته روابط خارجی سنای امریکا در ۲۶ فبروری ۲۰۰۴ جملات زیر را بیان داشت :

« به وجود آمدن رساله های آزاد (بخوان خریده شده از جانب «سیا») ومصون در کشور های در حال توسعه حائز بالا ترین اهمیت برای منافع ایالات متحده است ، « در کار خود شاهد هستیم که رسانه های مستقل در فشار آوردن به دولت های آنکشور ها و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه گذاری خارجی ارزش کم نظیری دارند» ، « ... مثلا رسانه

های مستقل (بخوان اجیر «سیا») صربستان با کمک USAID (که بخشی از وزارت خارجه امریکا است - مترجم مردم را علیه میلو سوویچ بسیج کردند)، «درخصوص شگافتن اسرار دولت ها هم عوض کردن وجدان قضات و مسؤولان بیش از تغییر دادن قوانین مؤثر است. اینهم از عهده برنامه های رادیویی و تبلیغاتی که امریکا رأساً تولید می کند، ساخته نیست و به رسانه های محلی نیاز دارد»

و درود های فروان به این زن دلیر، آزاده، با وجدان و واقعاً مستقل که در مقال بلندش نوشته است:

«اساسی ترین برنامه برنده جایزه صلح نوبل، که خود او [پارک اوباما]، جنرالش و سخنگویانش دوست دارند آن را فراموش کنیم، همان نقشه هانی هستند که در افغانستان شکست خوردند. بریتانیای قرن نوزدهم و شوروی قرن بیستم کوشیدند تا با نسلکشی بر این کشور سرکش چیره شوند، اما هر دو را دیدیم که حتا با خونریزی های بسیار وحشتناک از آن جا بیرون رانده شدند. گورستان های به جامانده از امپراتوری های یادگار آن روزهاست. قدرت مردم، که گاهی گیج کننده است و اغلب ناشی از قهرمانی های آن هاست، بذرها را زیر برف جامی گذارد، و تجاوزکننده ها از همین می ترسند.»

و حالا توجه خوانندگان گرامی را به قسمتی از مقاله زنده یاد دکتر محمود گودرزی، ژورنالیست آزاده، متفکر و مبارز نستوه و نامدار ایران، (گودرزی به سمت استاد در یکی از یونورستی های امریکا تدریس می نمود)، که به ضد اشغال افغانستان و عراق توسط امپریالیسم امریکا و افشای سیاست های استعماری آنکشور و شرکاء، همچنان سیاست های امپریالیسم روسیه، و کشور های ذیدخل در مسایل افغانستان (ایران، پاکستان، عربستان...) و باند های بنیادگرا (اخوان جهادی و طالبی)؛ همچنان مزدوران روسیه خلق و پرچم در افغانستان و در منطقه و سایر مسایل جهانی به طور مسلسل در نشریه قاره ئی «شهروند» می نوشت؛ در زیر جلب می نمایم:

«... آقای «رابرت نوآک» روز نامه نگار دست راستی عضو فکر انبار مشهور «امریکن انترپرایز انستیتوت» دیدگاه یک سناتور جمهوری خواه را بی آن که از او نام ببرد بدین گونه بیان کرد: " ما افغانستان را با بمباران به یک پارکینگ عمومی بدل خواهیم کرد " این در اصطلاح ما فارسی زبانان یعنی ما آن را با خاک یکسان خواهیم کرد»

در آن زمانی که جریانات جنگ های ویتنام با امپریالیسم جنایتکار امریکا را از طریق رسانه ها دنبال می کردم، گفتار یک تن از سناتوران بلند مرتبه در دستگاه امپریالیستی آنکشور را به یاد دارم که گفته بود:

«ما اگر مجبور شویم سراسر جنگلات ویتنام را به میدان قیر ریزی شده تبدیل می کنیم.» و یکی از دنبال کنندگان همین سیاست - تجاوز و غارت و کشتار های دسته جمعی مردم افغانستان، عراق و سایر کشورها - بعد از گذشت چند دهه با غرور و تکبر چنگیز گونه ای می گوید: " ما افغانستان را با بمباران به یک پارکینگ عمومی بدل خواهیم کرد " .

مردم دلیر و مبارز ویتنام تحت رهبری خردمندان حزب کمونیست آن کشور، به رهبری رفیق هوچی مین عساکر متجاوز و اشغالگر امپریالیسم جنایت کار امریکا را از کشورشان بیرون راندند و به تکرار این گفته دایمانه لنین رابه اثبات رساندند: هرگاه خلقی - از لحاظ کمیت کوچک - به پا خیزند؛ می توانند کشور بزرگ متجاوز را از خاک خود بیرون برانند. مارکسیزم انقلابی بارها و واقیعت این امر را در جریان عالیترین شکل مبارزه (که همانا جنگ مسلحانه توده ئی می باشد) به ثبوت رسانده که گول های پاکلین و ببر های کاغذین - با آن که به گفته رویونیست های خروسجفی " دندان اتومی دارند " - را می توان در پروسه یک جنگ طولانی توده ئی تحت رهبری حزب کمونیست؛ مهار کرد و از کشور بیرون راند.

آزادی واقعی مردم بسیار شجاع و آزادیخواه افغانستان در گرو دست های پرتوان نسل کمونیست انقلابی است که در جوشاوش اشکال مبارزه با امپریالیزم ، فنوالیزم ، بورژوازی کمپرادور و ارتجاع ، به سازمان دادن عناصر مبارز و تشنه آزادی پرداخته و در کوره راه پر پیچ و خم و افت و خیز **ساختار حزب کمونیست انقلابی افغانستان** ، در میان مردمی کارد به استخوان رسیده ما کوشا و موفق باشند - حزبی که پرتو اندیشه پیشوایان پرولتاریا جهان (**مارکس - انگلس - لنین - استالین - مائوتسه دون**) رهگشایشان باشد . □

زنده باد مبارزه توده های تحت ستم و استثمار شده علیه امپریالیزم اشغالگر در سراسر جهان !
نابود امپریالیزم - این منشای اصلی تخریب بیرحمانه کره زمین !

این نگاهشسته از منابع زیر بهره گرفته :

- ۱- سایت بامدادی
- ۲- نشریه شهروند
- ۳- از مقاله " درنگی بر ژورنالیزم زرد جنایت سالار پسند شکرالله کهگدای " از این قلم که با نام مستعار ("رووف روشنایی") که به صورت جزوه در جولای ۲۰۰۴ چاپ و نشر شده همچنان درسایت های وزین " پیام آزادی " و "بابا" برقرار بازتاب یافته است .

یادداشت های هر سه قسمت:

(۱) جان پیلجر، روزنامه‌نگار پژوهشگر و کارگردان مستندساز، یکی از دو نفری است که برترین جایزه روزنامه‌نگاری بریتانیا را دو بار از آن خود کرده و جایزه‌هایی چون اسکار و نیز جایزه فستیوال فلم بریتانیا در بخش فلم‌های مستند را احراز کرده است. بنابه جدیدترین نظرسنجی NewStatesman پیلجر چهارمین قهرمان زمان ما پس از آنگ سان‌سوک و نلسون ماندلا است. [توضیح نمبر (۱) از سایت بامدادی نقل شده]

(۲) - " ماهنامه توفان شماره ۲۲ ارگان سیاسی مشترک جهت تدارک کنگره مؤسس حزب واحد طبقه کارگر ایران " از زبان " گاردین " چاپ انگلستان مورخ پنجشنبه ۱۱ جولای ۱۹۹۶ در مورد برتراندرسل فیلسوف و سایر روشنفکران قلم فروش چه می نویسد:

« دریکی از اسنادی که اخیراً از جانب " اداره اسناد عمومی " انگلستان انتشار یافته است، چنین می آید که " جورج ارول " (۱۹۵۰-۱۹۰۳) نویسنده و روزنامه نگار به اصطلاح سوسیالیست انگلیس، در زمان جنگ سرد، یعنی در دوران ستیز بی امان امپریالیزم به ضد کشور های پیروزمندسوسیالیستی و در پیشاپیش آنها کشور اتحاد شوروی سوسیالیستی، صورت اسامی کمونیست های نا شناخته را در اختیار واحد تبلیغات وزارت خارجه انگلستان، وابسته به سازمان اطلاعات و جاسوسی این کشور می گذارد که به عقیده وی نباید در امر تبلیغات به آنها اعتماد کرد.

بنابر آنچه در جریده انگلیسی " گاردین " انتشار یافته است، " جورج ارول " نویسنده کتب طنز آمیز " مزرعه حیوانات " و " ۱۹۸۴ " در اواسط سال ۱۹۴۹، مدت زمان کوتاهی قبل از این که به بیماری سل در گذرد، به مأمور اداره مخفی " دایره تحقیق و گرد آوری اطلاعات " (آی آر دی) به نام "سلیا کیروان" پیشنهاد همکاری می کند.

وی از آسایشگاه مسلولین در نامه خود به "سلیا کیروان" ... می نویسد : " چنانچه مفید فایده باشد من می توانم صورت اسامی روزنامه نگاران نویسندگانی را که به عقیده من از کمونیست های نفوذی و همقطاران مسافری که به آن سو تمایل داشته و نباید در امر تبلیغات مورد اطمینان قرار گیرند در اختیار تان بگذارم. برای این کار من می بایست به دنبال یک کتابچه یادداشتی که در خانه دارم بفرستم، و این امر که من چنین لستی را در اختیار تان قرار داده ام بایستی کاملاً مخفی نگهداشته شود"

در اسناد منتشر شده نام فردی به طور مشخص به چشم نمی خورد، زیرا که وزارت امور خارجه انگستان اسامی افراد لورفته را پنهان نگهداشته است. لیکن شخصی به نام " برنارد کریک" تذکره نویس " جورج ارول"، تأیید کرده است که در بین نوشته های وی کتابچه ای وجود داشت به عنوان " داشتهای پیرامون عناصر مشکوک" که شامل ۸۶ اسم می بوده است.

اسناد منتشر شده اخیر همچنین آشکار می سازد که اداره نامبرده، ناشران و نویسندگان مشهوری نظیر برتراند رسل، استیفن اسپندر و آرتور کواستلر را نیز جهت نگارش و انتشار مطالب ضد کمونیستی به خدمت خود گماشته بوده است. در رابطه با کتاب حکایت طنز آمیز و در عین حال ضد کمونیستی " جورج ارول" به نام " مزرعه حیوانات" آمده است که " دایره تحقیق و گرد آوری ... " عامل ترجمه و انتشار این کتاب به زبانهای گوناگون و به ویژه زبان های مردم مسلمان جهان از جمله زبان عربی بوده است.

در پایان جریده گاردین می نویسد که دایره سری " تحقیق و گرد آوری..." انگلستان نقش فعال و مؤثری در از همپاشی جنبش بین المللی اتحادیه های کارگری در اواخر دهه ۱۹۴۰ بازی کرده است.